مجله علمی پژوهش درمدیریت ومطالعات اجتماعی، شماره۶، زمستان ۱۳۹۵جلد۲، ص۳۰-۱۷

http://www.jmss.ir

مجله علمی پژوهش درمدیریت ومطالعات اجتماعی (سال دوم)
شماره۶/ زمستان ۱۳۹۵ / ص۳۰-۱۷

بحران مالی جهانی و چند پیشنهاد راهبردی

محمدجواد ایروانی*

استاد مدعو دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ایران

چکیده

بروز بحران مالی جهانی و ضرورت مقابله با تبعات منفی و استفاده از فرصت‌های ناشی از آن ضرورتی است که متولیان اقتصادی به آن توجه دارند. برای دستیابی به‌این منظوراین مقاله ضمن اشاره به علل بروز بحران مالی در اقتصاد جهانی این بحران را از دو منظر تئوریک و اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهد. با توجه به ابعاد موضوع فرصت‌های فرا روی اقتصاد کشور ناشی از بحران مالی بیان گردیده و در انتها راهبردهای کلیدی جهت مقابله با تهدیدهای پیش رو و بهره‌مندی بهینه از فرصت‌ها پیشنهاد گردیده است.

واژه‌های کلیدی: بحران مالي، بازارهاي مالي، سیاست خارجي، راهبرد

* نویسنده مسئول:

مقدمه

شروع بحران مالی از اقتصاد آمریکا و توسعه سریع آن به سایر اقتصادهای دنیا، با توجه به یکپارچگی و درهم تنیدگی اقتصادی دنیا طی دهه‌های اخیر منجر به شکل‌گیری مهمترین رویداد و بحران مالی جهان در ابتدای هزاره سوم شده است. ایجاد حباب اقتصادی در بخش مسکن به واسطه پرداخت وام‌های ارزان قیمت به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر با هدف جلوگیری از رکود اقتصادی، عدم کنترل ریسک سرمایه[1]ای و تجاری توسط بانک‌ها، نبود کیفیت در ارزش ذاتی دارائی‌های فیزیکی مبنای انتشار اوراق بهادار، خارج کردن تعهدات بانک‌ها بعد از انتشار اوراق بهادار براساس این دارائی‌ها با هدف افزایش توان پرداخت وام توسط بانک‌ها در گستره اقتصاد، نتیجه ای جز تضعیف بنیان‌های اقتصاد جهان طی سال‌های اخیر به دنبال نداشته است. این روند تا بدانجا ادامه پیدا کرد که با بروز اولین آثار رکود اقتصادی در بخشی از اقتصاد جهانی در زمانی کوتاه دامنه آن سراسر جامعه اقتصاد جهانی را در برگرفت و چرخ‌های اقتصاد را از حرکت بازداشت. سقوط بازارهای مالی، توقف و کاهش تولید، افزایش بیکاری، کاهش تقاضا برای مصرف در بازار کالا و خدمات، افزایش بی اعتمادی نسبت به بازارهای مالی و پولی و ورشکستگی بانک‌ها و موسسات پولی و مالی از مهمترین آثار ناشی از این بحران مالی بود آثاری که همچنان ادامه داشته و علی رغم تلاشهای دولتمردان، اقتصاددان‌ها و نهادهای پولی و مالی محلی و بین المللی روز به روز گسترده تر و عمیق‌تر شده است. در این شرایط مهمترین سؤالی که برای اقتصاد ایران مطرح می‌باشد این است که:

تأثیر این بحران بر اقتصاد کشور چیست؟ و چگونه ارکان اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ مهمترین فرصت‌های ناشی از این بحران چه می‌باشند و چگونه می‌توان از این فرصت‌ها بهترین بهره برداری را نمود.

در این مجال بر آن هستیم، ضمن تحلیل و بررسی بحران کنونی حاکم بر اقتصاد جهانی، در مسیر دستیابی به بهترین بهره برداری از فرصت‌های ناشی از این بحران، پیشنهاداتی راهبردی ارائه گردند. بر این اساس در ادامه ابتدا به موضوع از دو منظر تئوریک و اقتصادی نگاه شده سپس به صورت خلاصه به بحران بازارهای مالی، بحران سیاست

1. Capital Risk

خارجی، بحران دلار و پیش بینی آینده آن انجام پذیرفته است بعد از این مرحله ضمن بیان فرصت‌های پیش رو برای اتخاذ راهبردهای جدید، نهایتاً راهکارهایی به منظور مصونیت بخشی به اقتصاد ایران با هدف بهره برداری از فرصت‌های پیش رو در ارتباط با بحران مالی و اقتصادی با در نظر گرفتن نوسانات قیمت نفت به عنوان پیشنهاداتی راهبردی ارائه شده‌اند.

نگاهی به بحران مالی جهانی

منظر تئوریک

امروز همچنان که از الگوی حکومتی شرق کمونیستی به نوعی اثری نیست، غرب کاپیتالیستی و لیبرالیستی نیز مدت‌ها است دچار بحران‌های لاینحل و جدی تری شده است. بحران مالی مکزیک ۱۹۹۴، بحران مالی عظیم شرق آسیا ۱۹۹۷، بحران مالی برزیل و اقتصاد آزاد شده روسیه ۱۹۹۸ و بحران مصیبت بار آرژانتین، بحران انرون در آمریکا و بحران مسکن ۲۰۰۵ و عظیم ترین بحران مالی تاریخ ۲۳۰ ساله آمریکا ۲۰۰۸ همگی حاکی از تجدید و پایداری بحران‌هاست.

لیبرال دموکراسی از بعد فلسفی معتقد به پایان عمر دولت ملت‌ها (از طریق تحریک قومیت‌ها) و نقش‌آفرینی بنگاههای اقتصادی فرا ملیتی به جای دولت‌ها، و واسپاری نقش دولت‌ها (که حداقل، پشتوانه اطمینان و اعتماد مردم هستند) به بنگاهها هستند. به نحوی که بازار اطمینان را هم واگذار کردند، یعنی پشتیبانی و تنظیم بازار از بازار خرید و فروش اوراق رهنی ثانویه مسکن را به دو شرکت خصوصی سپردند و از نقش نظارتی خود تنازل کردند. آلن گرین اسپین رئیس سابق فدرال رزرو اخیراً اعتراف نمود که در مقررات زدائی زیاده روی و در نظارت کوتاهی‌هایی صورت داده است. بنابراین در حالی که نظام نئولیبرالی در بیشتر کشورهای غربی، در حال مرگ مغزی و کما است، آیا:

- می توان همچنان به تئوری‌های آنان از زاویه یک سیستم پایدار نگریست؟

- در سیستم و ساختار اقتصادی غرب نشانی از « عدالت[1] » و یا حداقل « حقوق شهروندی[2] » وجود دارد[3] که برخی با جزمیت به این سیستم و مدل اقتصادی دل بسته‌اند ؟
- می توان برای نسخه‌های واحد صندوق بین المللی پول وبانک جهانی برای بحران‌های مختلف اقتصادی و در کشورهای متفاوت، نقش قائل بود ؟

اگر در نظر بیاوریم که بحران ایجاد شده در غرب در حالی رخ داده که جامعه آن کشورها مبتنی بر: مؤلفه‌های نیروی کار منضبط، سرمایه گذاری منظم و مداوم و تعهد به تحول، پا به پای تحولات جامعه است و در آن کشورها چارچوب‌های سیاسی و فرهنگی نیز برای آن بستری مناسب ایجاد نموده زیرا سرمایه‌دارای در غرب برای مردم، از نظر فکری قابل درک، از لحاظ هنجاری قابل پذیرش و از نظر اجتماعی قابل پیاده شدن بوده است و لذا نهادینه شدن آن به طور طبیعی انجام گرفته و می گیرد. در غرب، ابتکار، نوآوری و تلاش میزان موفقیت را شکل می‌دهد. فعالیت و کارکرد تکلیف است و شغل یک وظیفه و کسب درآمد دلالت بر موفق بودن در فعالیت دارد. در حالی که در شرق به جهت نیازهای تاریخی، واقعیات اجتماعی، ماهیت سیاسی جامعه و ارزش‌های فرهنگی، اصرار بر پیاده‌سازی عینی سیستم‌های اجتماعی غرب بستر مناسب، همگون و مطلوب برای عملکرد مشابه ایجاد نشده است. راه رفع تمامی این کاستی‌های ارزشی، رجوع به مبانی فکری فقه پر بار شیعه است که جامعه را از همه نظر مخصوصاً در حوزه علوم اجتماعی، نگرش به کار، مسئولیت پذیری و خلاصه آنچه که لازمه پیشرفت و تعالی فرد و جامعه است، تامین می‌نماید.

---

1. Justice
2. Citizenship rights

۳. جالب اینکه بسته‌های راه حلهای نجات از بحرانها معطوف به جامعه و مشکلات آحاد جامعه در بحران نیست بلکه معطوف به نجات سهامداران و کمپانی های بزرگ از ورشکستگی است. زیرا در لیبرال دموکراسی، تعریف جامعه « جامعه سازمانها » و جامعه کمپانی ها است. (پیتر دراکر دانشمند بزرگ مدیریت درآمریکا کتابی به همین نام تالیف کرده است) و علیرغم شعار « فردگرائی در لیبرالسیم » در عمل نقش حاشیه‌ای برای آحاد جامعه قائل هستند.

منظر اقتصادی

سابقه امر

در دهه چهل میلادی بویژه بعد از جنگ جهانی دوم محیط جهانی دچار عدم ثبات در مناسبات پولی بود، کاهش ارزش پولی ملی برای رفع کسری تراز پرداخت‌های کشورهای درگیر جنگ بصورت یک مانع بزرگ در روند رشد تجارت بین الملل بود. امریکا مازادی بالغ بر حدود ۲۰۰ میلیارد دلار داشت که موجب سلطه بلامنازع آن شد. در سال ۱۹۴۴ در شهر بروتن وودز ایالت نیوهمپشایر ایالات متحده امریکا طرح کینز که پیشنهاد تاسیس بانک مرکزی جهانی و تاسیس یک واحد پولی بین المللی بنام BANCOR برای تسویه مبادلات بین المللی را داشت در مقابل طرح هاری دگستر وایت مسئول خزانه‌داری ایالات متحده امریکا شکست خورد، زیرا امریکا مازاد خود را با کسری دارائی بقیه کشورها شریک نکرد و اعلام داشت بجای تاسیس بنکور، امریکا دلار را به طلا ثابت می کند (یک اونس طلا برابر ۳۵$) و پول خود را تثبیت کرده تا مبادلات تجاری بین‌المللی[۳] با یک ارز تثبیت شده به سهولت صورت پذیرد. با این ترتیب امریکا یک شرکت پولی بین المللی بنام « صندوق بین المللی پول» تشکیل داد با ساختاری که هر دولت سهام بیشتر داشته باشد تصمیمات اساسی در اختیار اوست، تصمیمات اساسی با ۸۵٪ حق رای نافذ بود[۱] یعنی عملاً امریکا همیشه حق وتو دارد. این آغاز جهان روائی کامل دلار و آغاز برتری همه جانبه امریکا بر جهان بود.

آمریکا برای تامین هزینه جنگ‌هایی که براه میانداخت (مانند جنگ کره و ویتنام) مبادرت به انتشار دلار (بدون پشتوانه) نمود، ازدیاد آنها در بازارهای اروپا بنام "دلار اروپائی" موجب کاهش ارزش آن شد بطوری که در سال ۱۹۶۸ امریکا برغم تعهد یک طرفه رابطه قابلیت تبدیل دلار به طلای فیزیکی را برای اشخاص حقیقی و حقوقی قطع کرد و در سال ۱۹۷۱ اعلام نمود به بانک‌های مرکزی جهان هم در مقابل ارائه دلار طلا تحویل نمی دهد اما برای تثبیت موقعیت دلار یک کار نرم افزارانه و زیرکانه نمود و آن تصمیم اوپک در همان سال برای فروش نفت صرفاً به دلار بود. یعنی عملاً آمریکا، بانک مرکزی دنیا شد زیرا همه کشورها حتی کشورهای اروپائی برای خرید نفت محتاج خرید دلار آمریکا شدند، با این وجود تداوم کاهش ارزش دلار در یک دوره طولانی باعث شد ایده پول اروپایی جرقه بزند.

بیست و نه سال بعد این ایده جامه عمل پوشید و با تأسیس یورو در سال ۲۰۰۰ عملاً

یک پول جهان روای دیگر توسط اتحادیه اروپا تأسیس گردید (ایده شارل دوگل رئیس جمهور مشهور و محبوب فرانسه که مدعی آقائی و استقلال اروپا از آمریکا، تشکیل اتحادیه و پول واحد بود) تأسیس یورو و روند نوسانات آن نسبت به دلار به عنوان یک پدیده مهم در بازار پولی درآمد. در حال حاضر آخرین آمارهای منتشره توسط بخش بودجه کنگره آمریکا، نشانگر افزایش مجموع حجم دلار در جریان (M3) از حدود یک تریلیون دلار در سال ۱۹۷۵ به حدود شش تریلیون دلار در سال ۲۰۰۰ و بیش از ده تریلیون دلار در سال ۲۰۰۵ می‌باشد و طبق اعلام نظر کنگره، فدرال رزرو از سال ۲۰۰۶ حجم M3شامل سپرده‌های « دلار اروپایی » را بدون ذکر دلیل افشا نمی کند. از سوی دیگر ظهور مقتدرانه اقتصادهای بازاری نوظهوری مثل چین، هند و سایر کشورهای با نیروی کار ارزان تر و قیمت تمام شده کمتر، چالش جدی برای بازار کالاهای آمریکائی را پدید آوردند و تأثیر قابل ملاحظه‌ای روی تراز تجاری و یا کسری تراز پرداخت‌های آمریکاگذاشتند[۱۱]. البته فرید زکریا دو سال قبل طی گزارش تحلیلی مفصل تحت عنوان «رهبری جهانی، آیا آمریکا می‌تواند رقابت کند» توان رقابت پذیری آمریکا در اقتصاد جهانی جدید را زیر سوال برده و هشدارهای جدی داده بود[۸] و پُل گروکمن اقتصاددان برجسته آمریکائی تداوم قدرت آمریکا را بدلیل مخارج مالی سیاست‌های یکجانبه و نظامی‌گرائی زیر سئوال برده بود.[۱۶]

بحران بازارهای مالی

عملکرد بازارهای مالی نشاندهنده رشد بی رویه معاملات اوراق بهادار نسبت به رشد بخش واقعی اقتصاد است (نسبت دارائی‌های مالی به تولید ناخالص داخلی آمریکا به شدت افزایش یافته است) مهم‌ترین ابزار برای مدیریت ریسک در نظام مالی غرب ابزارهای مشتقه است که قرار بود از دارائی‌های واقعی و قیمت انها تبعیت کنند ولی برعکس ابزارهای مشتقه و دارائی‌های کاغذی تبدیل شدند به ابزاری که دارائی‌های واقعی و قیمت را به دنبال خود کشاندند و چنین بحرانی را آفرید.این سیستم ظرفیت تجدید این نوع بحران‌ها را در آتیه نیز خواهد داشت. اوراق مشتقه، قرارداهای آتی و... در اصل، برای

تامین اطمینان (مصون‌سازی[1]) اقتصاد مالی، طراحی و مورد استفاده قرار می‌گرفت، لیکن وقتی سوداگران عملیات سفته بازی را افزایش دادند و به طور مثال تولید نفت جهان حدود ۸۰ میلیون بشکه در روز است در حالی که بیش از ۵۰۰ میلیون شبکه در روز معاملات نفتی می‌شود و موارد مشابه فراوان در مورد سایر کالاها منجر به ایجاد بحران مالی می‌گردد و آمریکا در سال ۲۰۰۵ رکورد کسری تجاری جهان را پشت سر گذارد نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار جمع کسری تجاری و سرمایه‌ای این کشور در این سال بود که روند درحال ادامه است[۷] برای رفع این کسری اقداماتی نظیر کاهش موانع داخلی و خارجی برای مبادله آزاد بین‌المللی و توسعه سیستم تجاری براساس روش‌های مورد قبول در مؤسسات معتبر بین‌المللی شکل گرفت[۹].

بحران سیاست خارجی

بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و اعلام جنگ نامحدود علیه ترور، طراحی خاور میانه جدید و اعلام ارزشهای آمریکایی شامل دموکراسی سازی[2] و تجارت آزادتر اعلام شد و در این راستا حمله به افغانستان، عراق[۱۴] و لبنان عملی گردید. برگزاری انتخابات و دموکراسی در عراق، فلسطین و افغانستان و بحرین نتیجه عکس منافع آمریکا به بار آورد. درنیمکره غربی که آمریکا با تاسیس اتحادیه بزرگ « نفتا»[3] و گسترش آن، آن را حیاط خلوت امنی برای خودش می‌دانست رژیم‌های ضد آمریکائی یکی پس از دیگری سربرآوردند که دردناک ترین پدیده سیاسی برای ایالات متحده آمریکا درسده اخیر پس از پیروزی انقلاب اسلامی درایران بود. مسئله مهم هزینه جنگهای امریکاست، نبردهای کره و ویتنام بحران پولی در سال ۱۹۶۸، قطع رابطه دلار با طلا و شناوری نرخ دلار را موجب شد. اگر در دهه چهل برکناری امریکا از جنگ جهانی دوم باعث شکوفائی اقتصادی و هژمونی سیاسی آن بود که شصت سال از رانت این سلطه بهره‌مند شد لیکن دهه‌های اخیر شاهد قدرت‌های اقتصادی نوظهور نظیر مالزی، هند، کره و قدرت‌های سیاسی و اجتماعی نوظهور مثل جمهوری اسلامی ایران و برزیل و قدرت‌های فرهنگی ایدئولوژیک،

1. Hedging
2. Democratization
3. North American free zone Trade Association

ژئوپلتیک مثل جمهوری اسلامی ایران بوده است. لازم به یادآوری است که در دهه چهل امریکا با اقتدار مالی و سیاسی خود، عدم ثبات پولی و مالی و بازرگانی بین المللی را تحت ساختار دو شرکت صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و نیز موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) را سامان داد. لیکن در دهه اخیر هزینه‌های سرسام آور جنگ عراق که ماهانه ۱۲ میلیارد دلار هزینه دربردارد[۱۳] و نیز تداوم جنگ علیه تروریسم و القاعده موجب هدر رفتن منابع مالی و افزایش بی‌رویه کسر بودجه ایالات متحده گردیده[۶] و کلیت نظام سرمایه داری را دچار بحران گالیوری شدن[1] نموده است. عوامل مهم گالیوری شدن و بحران سرمایه داری یعنی جهانی شدن، ظهور قدرت‌های رقیب اقتصادی، نظامی گری و کاهش اعتماد مردم جهان به ایالت متحده امریکا و پایان یک جانبه‌گرائی امریکا[۵]، موجب تغییر نقش جدی نسبت به دهه چهل شده قدرت اقتصادی امریکا تضعیف گردیده، قدرت ژئوپولتیکی کاهش شدید پیدا کرده و از همه مهمتر، تراز پرداخت‌های امریکا دچار کسری‌های فراوانی (به عکس مازادهای انبوه دهه‌های ۴۰ و ۵۰) شده است. لیکن در بحرانهای اخیر امریکا نقش یک تماشاچی مبهوت را بازی کرد و قدرت‌های جهانی را با ناکارآمدی خود شگفت زده کرد. لذا از این به بعد موضوع بازآرائی قدرت‌های مؤثر جهانی در معادلات بین المللی در دستور کار و در حال شکل گیری و حتی روشنفکران امریکائی هم به این مسئله اذعان دارند. پیش‌بینی می‌نمایم بحران بزرگ ایالات متحده امریکا، بحرانی است که هنوز سر باز نکرده است و آن تناقضات در نقش آفرینی‌های ملی و جهان روائی، دلار است و آثار مخرب انبوه دلارهای بدون پشتوانه منتشره موجود در سراسر جهان است که با گسترش انتشار دلار بدون پشتوانه برای جبران کسری درآمدها در بودجه ایالات متحده، بحران تشدید خواهد شد که ابعاد ساختاری دارد.

پیش‌بینی آینده بحران دلار

دلار علاوه بر کارکرد خود در اقتصاد امریکا، خاصیت جهان روائی دارد پس تقاضای ذخیره انباشت ثروت برای بانک‌های مرکزی، بانک‌های تجاری، بنگاه‌های اقتصادی و

1. Gulliversation

مردم جهان دارد.

تقاضای معاملاتی گسترده برای تسویه مبادلات بین المللی از جمله نفت دارد

در ارتباط با بندهای بالا، دلار تقاضای دیگری بنام سفته بازی برای بازارهای ارزی جهان دارد.

بنابراین بدلیل نقش‌های مذکور دلار کارکرد مخرب و تورمی در اقتصاد ملی امریکا، ندارد و لذا هرگاه انتشار دلار به سبب کسری بودجه امریکا شکل می‌گیرد بدلیل تقاضاهای ذخیره انباشت دارائی، تقاضای معاملاتی و تقاضای سفته بازی جذب بازارهای جهانی می‌شود. با این وجود افراط در چاپ اسکناس دلار موجب تشدید کاهش ارزش آن در بازارهای جهانی می‌شود اما بدلیل اینکه این کسری باعث افزایش صادرات امریکایی و کاهش واردات به امریکا می‌گردد تأثیر مثبتی بر بهبود کسری تراز تجاری و پرداخت‌های امریکا دارد. درعین حال گزارش‌های جدید نشان می‌دهد ۹۰٪ کسری حساب تراز پرداخت‌های امریکا را کسری تر از بازرگانی تشکیل می‌دهد[۱۲] و سیاست کاهش ارزش دلار برعکس همیشه حتی در کسری تراز تجاری امریکا تأثیر مثبت نداشته[۱۷] یعنی واردات به امریکا بدلیل رقابت پذیرتر شدن کالاهای خارجی برعکس همیشه افزایش یافته و صادرات امریکا بدلیل گران بودن برعکس همیشه کاهش پیدا کرده است. یعنی بدلیل کاهش رقابت پذیری کالاهای امریکائی سیاست تضعیف دلار در سالهای اخیر کارآئی خود را از دست داده است[۱۵].

قابل ذکر است که آغاز روند کسری بجای مازاد از ۱۹۷۰ شروع شده است. دولت آمریکا بطور سنتی همواره از تضعیف دلار استقبال می‌کند ولی علیر غم عدم کار برد مثبت آن در تراز تجاری در سالهای اخیر تضعیف ارزش دلار همزمان تأثیر مخربی به نقش ذخیره ثروت دلار دارد (تناقص در نقش‌های ملی و جهان روائی دلار) و انگیزه تبدیل دلار به ارزهای دیگر و نیز انجام معاملات به دیگر ارزها بمنظور اجتناب از ریسک تسعیر دلار را به اذهان دارندگان خطور می‌دهد و لذا اغتشاش در مبادلات بین المللی در آینده ای نه چندان دورقابل پیش بینی است و این پدیده دیر یا زود رخ خواهد کرد[۲]. و تحقق این پیش‌بینی می‌تواند امپراطوری جهانی آمریکا را مضمحل نماید.

النهایه اینکه کسری توأمان تجاری و حساب جاری امریکا بهم مرتبط است و اگر این عدم توازن ادامه یابد (که نشانه‌هائی از عدم تداوم دیده نمی‌شود) در نهایت منجر به رکورد شدید اقتصادی می‌گردد و دیگر در این مقطع کاهش ارزش دلار نیز اهرمی غیرقابل

استفاده خواهد بود[۱۰].

فرصت برای اتخاذ راهبرد[1]های جدید

در شرایط کنونی قدرت‌های جدید مثل برزیل، هند، ژاپن، جمهوری اسلامی ایران، آفریقای جنوبی، مالزی، ترکیه علاوه بر قدرت‌های سابق مطرح هستند (جمهوری اسلامی ایران از نقطه نظر ژئوپلتیکی بسیار مطرح است روی چهار راه انرژی قرار داشته و دارای نفوذ قابل توجه درکشورهای منطقه و اسلامی است، هفدهمین کشور ثروتمند دنیا و صاحب انرژی‌های فراوان و از ظرفیت اقتصادی و نیروی انسانی گسترده برخور دار می‌باشد) بنابراین در بازنگری و تأسیس نهادهای جهانی بایستی حتماً مدعی و حضور داشته باشیم:

الف) ایده تشکیل سازمان جهانی مالی بر پایه منافع کشورهای جهان بایستی پیگیری و با توجه به شرایط جدید جهانی لازم است حضور موثر داشته باشیم

ب) ایده تشکیل یک سازمان پولی جهانی متشکل از بانکهای مرکزی کشورهای جهان و ایده تأسیس واحد پولی جهان روا برای مبادلات بین المللی مطرح و پیگیری گردد.

ج) جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت سازمان ملل بایستی حضور داشته باشید (تغییر ساختار سازمان ملل)

د) ایده تأسیس واحدهای پولی منطقه ای، اسلامی، آسیائی در فرایند رسیدن به واحد پولی جهان‌روا

ه) گسترش همکاری‌های اقتصادی و همگرائی منطقه ای، بین الملل اسلامی با شرکت و گسترش و تأسیس اتحادیه‌ها

و) قرار دادهای تهاتر مبادلات تجاری چند جانبه و دو جانبه برای مصون ماندن از نوسانات پولی (کمیته‌های BTC و حسابهای فنی دوجانبه) بایستی در صورت بحران بفوریت مورد عمل قرار گیرد

ز) جمهوری اسلامی ایران پیشتاز انجام معاملات نفت به وسیله ارزهای غیر ازدلار شود.

---

1. Strategeis

ح) تغییر ذخایر دلاری به غیر دلار

ط) تأسیس بورس نفت و قیمت گذاری نفت به غیر از پایه دلار

بخاطر داشته باشیم، سیستم آمریکایی از خاصیت خودآگاهی و ترمیم حتی به هزینه سایر کشورها با استفاده از سلطه خود بر خوردار و پارادایم حاکم موجود را با روی کار آمدن دمکرات‌ها شکسته و سعی جدی در حداقل کردن آسیب‌های اقتصاد ملی خود خواهند نمود و پروژه حمایت‌گرائی را پیشه خواهند نمود.

هر یک از پیشنهادهای فوق بنوبه خود می‌تواند منافع ملی کشورمان را در تحولات جهانی اقتصاد حداکثر نماید. راهکارهای مصونیت بخشی به «اقتصاد ایران» در بحران مالی و اقتصادی و نوسانات قیمت نفت: با توجه به مطالب بیان شده در بخش‌های پیشین و با در نظر گرفتن فرصت‌های بیان شده در این بخش راهکارهای زیر به منظور حداکثر استفاده از فرصت‌های پیش رو مقابله با تهدیدهای ناشی از بحران فعلی ارائه شده‌اند:

۱. تأسیس هر چه سریعتر «صندوق توسعه ملی» [۴] بجای حساب ذخیره ارزی.

زمان تصویب ماده ۶۰ قانون برنامه سوم از هشت سال پیش تاکنون بدلیل عدم کارآئی حساب ذخیره ارزی، ایجاد صندوق ذخیره ارزی مورد بی مهری واقع شده زیرا برخی برآنندکه بدون مزاحمت منابع بین نسلی خرج شود، بنابراین، کاهش قیمت نفت همواره تأثیر مثبتی در ایجاد تحول در بودجه، کوچک شدن عرض و طول دولت‌ها و کاهش واردات بی رویه کالاهای مصرفی و بازکردن افق اندیشه برای برنامه ریزی و حاکم کردن ساز و کارهای رقابتی، کارآمدی و تحول می‌باشد[۱].

۲. اجرای کامل و بدون وقفه مالیات بر ارزش افزوده بعنوان یک چهارچوب زیربنائی و پیش نیاز توسعه و اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی و کشور.

۳. اجرای سریع و کامل قانون اجرای اصل ۴۴ بویژه پایش بهبود شاخص فضای کسب و کار که تحقق قانون را نوید می‌دهد.

۴. جذب سرمایه‌های ایرانیان مقیم خارج و سرمایه‌های منطقه‌ای، بین‌المللی

---

۱. تا چه زمانی بایستی شاهد پدیده دردناک تشدید وابستگی در زمان افزایش درآمدهای ارزی باشیم (به گواهی تاریخ اقتصاد ایران همواره پدیده افزایش های جهشی قیمت نفت را که یک فرصت طلائی است تبدیل به یک پس رفت نموده است) صندوق توسعه ملی نقطه پایانی بر روزمرگی ها و آغازی بر ثبات، اطمینان سرمایه گذاری و پایداری شکوفائی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است.

۵. اجرای طرح‌های بلندپروازانه و ضربتی استخراج تولید و فرآوری انرژی
۶. اجرای برنامه‌های ضربتی در ساخت سریع خطوط انتقال انرژی به اروپا- شرق و کشورهای منطقه برای افزایش اقتدار استراتژیک ایران در عرصه منطقه و جهان و نیز تحقق رشد پرشتاب اقتصادی
۷. مراقبت در اعمال نظامات نظارتی در بازار سهام و تدابیر لازم برای اجتناب از حبابی شدن قیمت‌ها که سه سال قبل ناظر آن بودیم و موجب وحشت و خروج سرمایه گذاران از بازار سرمایه ایران گردید و بازارهای مسکن، پول و کالا را داغ کرد.
۸. خرید فوری سهام[1] بنگاه‌های اقتصادی مختلف آمریکائی، اروپائی، آسیائی که به قیمت ناچیز و به مراتب پائین تر از ارزش ذاتی خود در بازارهای مالی جهان که در کف قیمتی عرضه می‌شوند.
۹. با بهره‌گیری از بحران فعلی مراقبت در تاسیس و ترویج اوراق بهادار مالی بدون اتکا به عملیات واقعی آنها و نظارت بر نسبت دارائی‌های مالی به تولید ناخالص داخلی
۱۰. توقف فوری واردات بی‌رویه کالاهای مصرفی بمنظور تقویت و حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها، حمایت از تولید ملی، رشد اشتغال و اجتناب از بی‌انگیزگی‌ها و گسترش بیکاری در حالیکه کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی (که عضو WTO هستند) بجای آزادسازی بازرگانی خارجی، به شدت به حمایت‌گرائی از تولیدات داخلی می‌پردازند و آشکارا اعلام می‌کنند و حتی تسهیلات و کمک‌ها به بنگاه‌های اقتصادی خود را منوط به استفاده از کالاهای داخلی! می‌نمایند استراتژی گسترش بی‌رویه واردات تأسف‌آور است بخصوص اینکه هنوز عضو WTO نشده‌ایم ولی امتیازدهی نموده و از مسئولیت اشتغال‌زائی برای جوانان ایرانی صرفنظر و کمک به اشتغال و خروج کشورهای دیگر از رکود می‌نمائیم. بازرگانی خارجی کشور فاقد درک شرایط کنونی اقتصاد و بازرگانی در جهان و ایران است. پیشنهاد می‌شود نظیر بسیاری از کشورهای پیشرفته اصلاح در زمینه ساختار صورت پذیرفته و وزارتخانه‌های صنایع و بازرگانی ادغام شوند زیرا تأسیس وزارت صنایع و بازرگانی تنها راه کمک مؤثر و پایدار به تولید ملی و رشد سرمایه‌گذاری و افزایش اشتغال

1. Junk share

است.

منابع

۱. اساسنامه صندوق بین‌المللی پول

۲. ایروانی، محمدجواد (پائیز ۱۳۸۳). «علائم بحران در اقتصاد رژیم صهیونیستی»، تهران، نشر قبله اول، چاپ اول.

۳. ایروانی، محمدجواد (تابستان و پائیز ۱۳۷۴)، «فصلنامه دانش و مدیریت»، تحلیل و ارزیابی پیرمون ۱ــ ریشه‌ها و پیدایش تطورات WTO, GATT, ITO، ۲ــ پیش‌بینی تحولات در بازرگانی بین‌المللی و نظام پولی بین‌المللی در سالهای آتی، ۳ـ بررسی کلان الحاق یا عدم الحاق ایران به WTO و استراتژی‌های پیشنهادی برای اقتصاد ایران، تهران، دانشگاه تهران، شماره ۲۹ و ۳۰.

۴. «تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن»، مقام معظم رهبری، سند سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، امور اقتصادی، بند الف ماده ۲۲، ابلاغی به ریاست قوه مجریه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱.

5. Bernard. Chazelle, "Bush desolate imperium, 2007, www.cs.,princeton.edu. P. 2.

6. Brian katulis, Lawtance J. Korb, Peter, Juul "strategir reset reelainaing cartual of U.S. Security in the Middle East" 2007.

7. Elizabeth. Becker, "Current account trade deficit reaches Record $195. 1billion", 2005, www.nytimes.com, p.1

8. Fareed Zakaria," Global Leadership, Can USA Compete?" Newsweek, June 26th,2006, p36

9. "foreign economic policy fot the next president", op. cit, p.4.

10. Frank. Shostak, "Does the widening US deficit pose a threat to the economy?", 2006, www.mises.org, pp.1-3.

11. Fred Bergsten,"Foreign Economic Policy for the next pres.,2005, www.iie.com

12. Josh bivens debts and the dollar. The us damages future livig standards by borrowing itselef into a deceptively deep hole, 2005 www, epi. ORG, pp 1-5.

13. Media Covrage of Irag 2008. www.globalaicy.org.

14. Michael T. Klare, "the new geopolotics of energy", 2008, www.the nation, pp.1-3.
15. Mike. Moffatt, "The trade deficit and exchange rates", 2007, www.economics.about.com. Pp 1-3.
16. Paul Krugman, "Can America stay on Top", 2006, www.jstore.org.
17. US trade deficit jumps despite weak dollar", 2008, www.afp.google.com, p.1.